

فضایل امام علی علیه السلام از نگاه قرآن

حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر حسینی*

اشاره

فضایل بی‌شمار امام علی علیه السلام، در بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله و ستایش‌های دوستان و دشمنان حضرت، با حلاوت و شورانگیز است؛ اما وصف امام علی علیه السلام در قرآن و تکریم و تعظیم آن مرد آسمانی در کلام الهی، پرشورتر و شگفت‌انگیزتر است. آیات فراوانی از قرآن در شأن امام علی علیه السلام نازل شده و آیات بسیاری نیز در بیان پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام بر حضرت انطباق یافته است.

قرآن و علی علیه السلام، دو تصویر از یک حقیقت و دو جلوه از نوری واحدند. علی علیه السلام تجلی و ظهور انسانی آیات وحی، و قرآن نیز جلوه مکتوب صورت و سیرت علی علیه السلام است. هر یک از این دو را برگزینی، به دیگری راه می‌یابی و اعراض و غفلت از این دو، وانهادن هر دوی آنهاست.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام و قرآن می‌فرماید: «عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ؛^۱ علی با قرآن و قرآن با علی است.» علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «قرآن صامت را کسی جز من به سخن وا نمی‌دارد.»^۲ و یا فرموده: «سوگند به خدا، آیه‌ای نازل نشد، جز آن‌که نیک می‌دانم، در کدام مکان و زمان و درباره چه کسی نازل شده است.»^۳

در تمامی آیاتی که با «یا ایها الذین آمنوا» آغاز می‌شود، علی برترین مؤمنان و امیر آنان است.^۴ این سخن رسول صلی الله علیه و آله، از وسعت نام و یاد علی علیه السلام در قرآن خبر می‌دهد.

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.

۱. شیخ طوسی، امالی، ص ۴۷۹؛ حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵.

۳. زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴۸۳؛ عبیدالله بن احمد حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰.

۴. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۴؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۸۹.

در گستردگی آیات پیرامون فضایل علی علیه السلام، صحابی پیامبر هر یک سخنی گفته‌اند: ابن عباس: «درباره هیچ کس جز علی علیه السلام، این حجم از آیات نازل نشده است.»^۱ حدیقه بن یمان: «آیه‌ای در قرآن با خطاب «یا ایها الذین آمنوا» نازل نشد، جز آن که علی، هسته و مغز آن است.»^۲ مجاهد: «۷۰ آیه درباره علی علیه السلام نازل شده که هیچ یک از اصحاب در این آیات با او شریک نیست.»^۳ عبدالرحمان بن ابی لیلی: «۸۰ آیه از کتاب خدا، درباره علی علیه السلام است که هیچ یک از امت با او در این آیات سهیم نیستند.»^۴ از سخنان یادشده، به‌ویژه سخن پیامبر صلی الله علیه و آله در می‌یابیم که هر یک از قرآن و علی علیه السلام، شاهدی گویا و سندی بی‌ابهام، برای شأن و عظمت دیگری هستند؛ بیش و منس علی، بازتاب آیه‌های قرآن است و قرآن، ترجمان فضایل علی علیه السلام است. در این نوشتار، برخی از آیات را که درباره جایگاه علی علیه السلام است، بررسی می‌نمایم. یادآور می‌شویم، تلاش نوشتار آن است تا آنچه در این باره بیان می‌شود، بیشتر از متون اهل سنت باشد. خوش‌تر آن باشد که سرّ دلبران گفته آید در حدیث دیگران

فضایل امام علی علیه السلام در قرآن

فضایلی که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته، برخی از فضایل امام علی علیه السلام در قرآن است که مفسران و محدثان شیعه و سنی بر نزول آن‌ها درباره حضرت علی علیه السلام^۵ تصریح نموده‌اند.

۱. حسکانی، همان، ج ۱، ص ۵۲.

۲. همان، ص ۶۳.

۳. همان، ص ۵۲.

۴. همان، ص ۵۵.

۵. آن‌جا که فرموده: «عَلَى مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ».

۶. برخی آیات، در خصوص امام علی علیه السلام نازل شده و برخی نیز درباره کسانی است که علی علیه السلام یکی از آنان است.

۱. پیشگام ایمان

«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ * ثُلَّةٌ مِنَ الْأُولَى * وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ»^۱ «سابقون» در آیه کسانی هستند که در ایمان از دیگران پیشی گرفته و در فضایل اخلاقی و صفات انسانی نیز پیشگام هستند.

در برخی روایات، به نمونه‌هایی از این افراد اشاره شده است، مانند: علی بن ابی طالب علیه السلام، هابیل، مؤمن آل فرعون.^۲

مقصود از «اولین»، امت‌های پیامبران پیشین، و مقصود از «آخرین»، امت اسلامی است.^۳ اندک بودن «سابقون» در امت اسلامی نسبت به امت‌های پیشین، بدین جهت است که پیشگامان در پذیرش اسلام در امت اسلامی، گروه اندکی بودند که از مردان، نخستین آنان، علی علیه السلام و نخستین زن، خدیجه بود؛ ولی فراوانی پیامبران پیشین و تعداد امت‌های آن‌ها و وجود پیشگامان در هر امت، سبب می‌شود که آن‌ها از نظر تعداد بیشتر باشند.^۴

۲. عصمت

امامت، استمرار نبوت است و امام کسی است که عهده‌دار برخی از شئون پیامبری است. لازمه ایفای این نقش، عصمت است. برخی آیات نیز لزوم عصمت امامان را بیان می‌کنند؛ آیه‌های: «امامت، تطهیر و أولوالأمر» از جمله آیاتی هستند که بر عصمت اهل بیت علیهم السلام و علی علیه السلام دلالت دارند.

آیه امامت

«وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۵ در این آیه، خدای متعال، از واگذاری منصب امامت و

۱. واقعه، آیه ۱۰ - ۱۴.

۲. رک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۵۸-۳۵۹؛ تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، ج ۵، ص ۲۰۹.

۳. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۱۲۱.

۴. مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۰۷.

۵. بقره، آیه ۱۲۴.

ویژگی‌های امام سخن می‌گوید. از آن‌جا که مقام امامت و رهبری، از اهمیت خاص برخوردار است. یک لحظه گناه و نافرمانی و سوء پیشینه، مانع از اعطای این منصب می‌گردد.

مقام امامت، به کسانی اعطا می‌شود که هرگز به ظلم و گناه آلوده نباشند. ظلم در این آیه، قرار دادن کار یا چیزی در موقعیتی ناشایست است. معنای «ظلم»، تنها ستم به دیگران نیست؛ ظلم به معنای وسیع کلمه به کار رفته و در برابر عدالت (قرار دادن هر چیز در جای خویش) می‌باشد؛ ظلم آن است که شخص، کار یا چیزی را در موقعیتی که شایسته آن نیست، قرار دهد و این معنا با مقام امامت و رهبری مردم، بسیار ناسازگار است. امامت، مسئولیتی خطیر و حیاتی است که گناه و نافرمانی، سبب از دست رفتن این مقام می‌گردد. گستردگی مفهوم «ظلم»، از این بخش آیه «لاینال عهدی الظالمین» به دست می‌آید.

ائمه اطهار علیهم‌السلام برای اثبات جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به این آیه استدلال می‌کردند که علی علیه‌السلام، هیچ‌گاه به بت سجده نکرد. قرآن از زبان لقمان علیه‌السلام، شرک و بت‌پرستی را ظلمی بزرگ معرفی می‌کند: «يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»؛ ای فرزندانم! برای خدا شریک قرار مده که شرک، ظلم عظیمی است».

علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه در این باره می‌نویسد: «از یکی از اساتید ما درباره چگونگی دلالت این آیه بر عصمت سؤال شد. او در جواب فرمود: به حکم عقل، مردم چهار دسته‌اند: ۱. در تمام عمر ظالم‌اند؛ ۲. در تمام عمر هیچ ظلمی نکرده‌اند؛ ۳. در ابتدای عمر خویش ظالم بوده و سپس آن را ترک کرده‌اند؛ ۴. در آغاز عمر خویش صالح بودند و در بخش پایانی عمر ظلم کرده‌اند.

شکی نیست که حضرت ابراهیم علیه‌السلام، برای دسته اول و چهارم مقام امامت را درخواست نکرده است. بر اساس چهار احتمال یاد شده، درخواست ابراهیم علیه‌السلام شامل گروه سوم و چهارم می‌باشد. قرآن، امامت دسته سوم را نیز نفی کرده است؛ آنچه باقی می‌ماند، تنها دسته دوم است و این دسته، کسانی هستند که از عصمت و عدالت برخوردارند. این ویژگی در زمان حیات پیامبر و در هنگام وفات حضرت، جز

۱. لقمان، آیه ۱۳.

بر علی علیه السلام قابل انطباق نبود. بعد از علی علیه السلام، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله شایستگی چنین منصبی را دارند.^۱

آیه تطهیر

«... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۲ خدا اراده کرده است که هرگونه رجس و پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را از هر عیبی پاک و منزّه گرداند.» نزدیک به ۸۰ حدیث که بیشتر آنها از طرق اهل سنت است، شأن نزول آیه را پنج تن آل عبا - شامل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهما السلام - می‌داند.

قرار گرفتن آیه تطهیر در میان آیات مربوط به همسران پیامبر، موجب شد تا عده‌ای از مفسران اهل سنت در اختصاص این آیه به پنج تن آل عبا تردید نمایند؛ با وجود روایات فروان و دلایل و قراین موجود در آیه، اهل سنت کوشیده‌اند تا همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز مصداق آیه تطهیر معرفی نمایند.

دلایل اختصاص آیه تطهیر به آل عبا

۱. اگر پیام آیه با توجه به سیاق معنا شود، ظهور آیه «تطهیر» و معنای آن به هم می‌ریزد و تغییرات ناگهانی در این آیه، بی‌حکمت باقی می‌ماند.
۲. در کاربردهای رایج، اهل بیت شامل همسر نیز می‌گردد و بر این اساس، انتظار می‌رود که در این آیه نیز همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بیت تلقی شوند؛ چنان‌که این احتمال با توجه به سیاق و آیات قبل و بعد آیه تطهیر، نیز تأیید می‌شود؛ اما دگرگونی ناگهانی و تبدیل ضمیرهای مؤنث به مذکر در عباراتی مانند «لیذْهِبَ عَنْكُمْ» و «یطهركم» در آیه، از یک سو، و روایات نقل شده از فریقین^۳ درباره شأن نزول آیه، از سوی دیگر، دلایلی هستند که موجب تردید جدی در وحدت سیاق می‌شود و نشان می‌دهد که این فراز از آیه، با همسران پیامبر قابل انطباق نیست.

۱. ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۷۴، ذیل آیه مورد نظر؛ تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۴۲ و ۴۴۳.

۲. احزاب، آیه ۳۳.

۳. ر.ک: المیزان، ج ۱۶، ص ۳۲۱ - ۳۲۶؛ محمود زمخشری، تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۳، ص ۵۳۸؛ شوکانی، فتح القدر، ج ۴، ص ۲۷۹؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۰۶؛ سلیمان قندوزی، ینابیع المودة، ص ۲۹۴؛ عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۵۰.

گسستگی این بخش از آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» از آیات قبل و بعد آن، تا آن‌جا است که بعضی مفسران معتقدند: این قسمت از آیه، جمله معترضه‌ای است که به سیاق آیات ربطی ندارد و دلالت آیه هرگز بر این فراز متوقف نیست؛ همان‌طور که در سوره‌های: انعام، ۱۴۵؛ نحل، ۱۱۵؛ بقره، ۱۷۳؛ همین احکام را آورده و این فراز را ندارد.^۱

بنابراین، گرچه توجه به سیاق و رعایت قبل و بعد آیه، برای مفسر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اما آن‌جا که قراین و شواهدی مغایر با سیاق وجود دارد، باید به قراین و شواهد اولویت دارد؛ چنان‌که در تعارض میان ظهور لفظی و قواعد عقلی، اعراض از ظهور، اصلی معقول و پذیرفته است.

در آیاتی که سخن از تشبیه خداوند به انسان‌ها است، مانند: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»^۲ آن‌خدا می‌فرماید که بر عرش هستی محیط است»، «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»^۳ دست خدا بالای دست آنان است» و «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ»^۴ در آن روز چهره‌هایی نورانی است»، ما از ظاهر لفظی دست برمی‌داریم و با فرض برهان عقلی بر تنزه خداوند از جسمیت، این الفاظ را کنایه از سیطره، قدرت و رحمت می‌دانیم.

۳. وجود احادیث فراوان در متون روایی شیعه و سنی: ^۵ علامه طباطبایی رحمته الله تعداد روایاتی را که این بخش از آیه را در شأن اهل بیت علیهم السلام دانسته، افزون بر ۷۰ روایت می‌داند که از راه‌های مختلف، در متون روایی شیعه و اهل سنت آمده است.^۶

۴. الف و لام در «الرجس»، برای جنس است و هر گونه آلودگی و گناه را به طور مطلق شامل می‌شود و از طهارتی ویژه حکایت می‌کند؛ در حالی که زنان پیامبر علیهم السلام از چنین طهارتی برخوردار نیستند؛ قرآن، خطاب به همسران پیامبر می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي

۱. همان، ص ۳۱۸.

۲. طه، آیه ۵.

۳. فتح، آیه ۱۰.

۴. قیامه، آیه ۲۲.

۵. برخی، این احادیث را نمونه‌ای از احادیث متواتر دانسته‌اند.

۶. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۷.

بُيُوتِكُنَّ...^۱ از خانه بیرون نشوید.» حال آن‌که عایشه - یکی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله - پس از درگذشت آن حضرت، از خانه خارج شد و در برابر حضرت علی علیه السلام خروج نمود و با این آیه مخالفت کرد و مرتکب گناه شد؛ قرآن کریم در سوره تحریم دو تن از زنان پیامبر را مورد عتاب قرار می‌دهد: «اگر شما دو زن به درگاه خدا توبه کنید [خدا] آمرزنده است]، اما اگر بر ضدّ پیامبر یکدیگر را پشتیبانی کنید، در حقیقت، خدا مولای او است و جبرئیل، صالح مؤمنان و فرشتگان پشتیبان او خواهند بود.» در روایتی ابن عباس از خلیفه دوم نقل کرده است که منظور از این دو تن، عایشه و حفصه هستند.^۲

۵. ضمایر به کار رفته در آیه «تطهیر»، جمع مذکر است؛ در حالی که ضمایر قبل و بعد آن که به زنان پیامبر مربوط است، همه به صورت جمع مؤنث آمده است.

۶. هیچ یک از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله خود را مشمول این آیه ندانسته‌اند؛ اگر این آیه شامل آنان بود، بی‌تردید، بعضی از آن‌ها مانند عایشه و حفصه آن را مطرح می‌ساختند و از آن بهره تبلیغاتی می‌بردند؛ چنان‌که عایشه از لقب «امّ المؤمنین»^۳ بهره تبلیغاتی فراوانی برد.^۴

آیه اولی الامر

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۵ خداوند در این آیه، اطاعت از اولی الامر را لازم شمرده و آن را در کنار اطاعت رسول خدا قرار داده است؛ در حالی که میان اطاعت اولی الامر و اطاعت خدا و رسول، تفاوتی بیان نشده است. این آیه، از عصمت اولی الامر حکایت می‌کند. لزوم عصمت اولی الامر در این آیه، از نگاه برخی مفسران اهل سنت نیز دور نمانده است؛ روایاتی که در تفسیر این آیه نقل شده نیز اهل بیت معصوم علیهم السلام را اولی الامر دانسته است.^۶

۱. احزاب، آیه ۳۳.

۲. جلال الدین سیوطی، الدرّ المثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۲۴۲.

۳. ر.ک: علامه سید مرتضی عسکری، احادیث ام المؤمنین عایشه، ج ۱، ص ۲۵۶.

۴. برای اطلاع از دلایل تفصیلی، ر.ک: تفسیر المیزان و تفسیر نمونه، ذیل آیه یادشده.

۵. نساء، آیه ۵۹.

۶. ر.ک: سلیمان بن القندوزی حنفی، ینابیع المودة، تحقیق سید علی جمال اشرف حسینی، ج ۱، ص ۳۴۱ - ۳۵۱؛

تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۴۰۹.

۳. جان پیامبر ﷺ

«فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»^۱ به آن‌ها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت می‌کنیم، شما هم فرزندان خود را. ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را. ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود. آن‌گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

مفسران و محدثان شیعه و اهل تسنن، تصریح کرده‌اند که آیه مباحله در حق اهل بیت پیامبر ﷺ نازل شده است و پیامبر تنها کسانی را که همراه خود به میعادگاه برد، فرزندانش حسن و حسین و دخترش فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام^۲ بودند.^۳ یک طرف، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام و طرف دیگر، نصاریبی هستند که برای احتجاج آمده بودند.^۴ این آیه، درباره هیأت نجرانی و همراهان آن‌ها نازل شده است که پیامبر، آن‌ها را به مباحله دعوت کرد. آن‌ها تا فردای آن روز از حضرت مهلت خواستند و پس از مراجعه به شخصیت‌های نجران، اسقف (روحانی بزرگ‌شان) به آن‌ها گفت: شما فردا به محمد نگاه کنید. اگر با فرزندان و خانواده‌اش برای مباحله آمده بود، از مباحله با او بترسید و اگر با یارانش آمد، با او مباحله کنید. فردای آن روز، پیامبر آمد؛ در حالی که دست علی بن ابی‌طالب علیه السلام را گرفته و حسن و حسین علیهم السلام پیش روی او راه می‌رفتند و

۱. آل عمران، آیه ۶۱.

۲. تفسیر «انفسنا» به حضرت علی علیه السلام، تنها به شیعیان اختصاص ندارد و شماری از بزرگان بنام اهل سنت نیز این تفسیر را روایت کرده‌اند، از جمله:

مسلم بن حجاج نیشابوری، الصحيح، ج ۷، ص ۱۲۰، چاپ محمد علی صبیح، مصر؛ احمد بن حنبل در مسند، ج ۱، ص ۱۸۵، چاپ مصر؛ طبری در تفسیر خود، ذیل آیه مباحله (آل عمران، ۶۱)، ج ۳، ص ۱۹۲، چاپ میمنه، مصر؛ حاکم نیشابوری در مستدرک، ج ۳، ص ۱۵۰، چاپ حیدرآباد دکن؛ حافظ ابونعیم اصفهانی در کتاب دلائل النبوة، ص ۲۹۷، چاپ حیدرآباد؛ واحدی نیشابوری در کتاب اسباب النزول، ص ۷۴، چاپ الهندیة؛ فخر رازی در تفسیر کبیر، ج ۸، ص ۸۵، چاپ البهية، مصر؛ زمخشری در الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۳، چاپ مصطفی محمد.

۳. رک: تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۱۱.

۴. رک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۲۲ - ۲۴۴.

فاطمه علیها السلام پشت سرش بود. نصارا نیز بیرون آمدند؛ در حالی که اسقف آن‌ها پیشاپیش آنان قرار داشت. اسقف، درباره همراهان پیامبر سؤال کرد. به او گفتند: این پسر عمو و داماد او و محبوب‌ترین خلق خدا نزد او است و این دو پسر، فرزندان دختر او از علی علیه السلام هستند و آن بانوی جوان، دخترش فاطمه است که عزیزترین مردم نزد او و نزدیک‌ترین افراد به قلب او است. اسقف گفت: من مردی را می‌بینم که در مباحله با کمال جرأت اقدام می‌کند و گمان می‌کنم راستگو باشد که در این صورت، سوگند به خدا، یک سال بر ما نخواهد گذشت؛ درحالی که در تمام دنیا، یک نصرانی وجود نداشته باشد که آب بنوشد. آن‌گاه خطاب به رسول‌خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای ابوالقاسم! ما با تو مباحله نمی‌کنیم؛ بلکه مصالحه می‌نماییم و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با آنان مصالحه نمود و عهدنامه‌ای در این زمینه نوشته شد.^۱

۴. وزیر و پشتیبان پیامبر

«قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَأَخْلِلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي * يَقْتَهُوا قَوْلِي * وَاجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي * وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي...»^۲ پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن، و کارم را برایم آسان گردان! و گره از زبانم بگشای تا سخنان مرا بفهمند! و وزیری از خاندانم برای من قرار ده، برادرم هارون را! با او پشتم را محکم کن و او را در کارم شریک ساز. «حضرت موسی علیه السلام هنگامی که از طرف خداوند متعال به پیامبری برگزیده شد، برای پیشبرد اهدافش از خداوند درخواست کمک نمود؛ آیات یادشده تمنایی است که موسی علیه السلام از پروردگار خویش دارد.

در روایات آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همین درخواست را از خداوند متعال نمود؛ فقط به جای نام «هارون» نام «علی علیه السلام» را نهاد:

«پروردگارا! من از تو همان را می‌خواهم که برادرم موسی تقاضا کرد؛ از تو می‌خواهم سینه‌ام را گشاده گردانی و کارها را بر من آسان کنی. گره از زبانم بگشایی تا سخنانم را درک کنند. برای من وزیری از خاندانم قرار دهی، برادرم علی علیه السلام را.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۷۹؛ رک: ترجمه المیزان، ج ۳، ص ۳۶۳؛ جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۳۳.

۲. طه، آیه ۲۵-۳۵.

خداوندا پشتم را با او محکم کن و او را در کار من شریک گردان تا تو را تسبیح گوئیم، و تو را بسیار یاد کنیم که تو به حال ما بصیر و بینایی.»^۱

همچنین در احادیث فراوانی از شیعه و اهل سنت نقل شده است که پیامبر اکرم در جنگ تبوک، و مواردی مختلف، به حضرت علی رضی الله عنه فرمود:

«أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»^۲ تو نسبت به من، به منزله هارون از موسی هستی؛ جز این که پس از من پیامبری نیست.» این حدیث، به «حدیث منزلت» معروف است که بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت، به آن اشاره نموده‌اند.

۵. نماد ایثار

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ»^۳ بعضی مردم، هنگام خوابیدن در جایگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله جان خود را در برابر خشنودی خدا می‌فروشدند و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است.»

آن شب که به «لیلة المبيت» شهرت یافت، ۶۰ تن از بهترین جنگاوران قریش، خانه پیامبر صلی الله علیه و آله را محاصره کردند تا آن حضرت صلی الله علیه و آله را به شهادت رسانند. فرشته وحی، رسول خدا را از این نقشه آگاه ساخت؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ»^۴ به یادآور هنگامی را که کافران بر ضد تو حيله کردند و بر آن شدند که تو را در زندان ننگه دارند یا بکشند و یا تبعید کنند. آنان از در مکر وارد می‌شوند و خداوند مکر آنان را به خودشان باز می‌گرداند و خداوند، از همه چاره‌جوتر است.»

پیامبر صلی الله علیه و آله باید طرحی می‌ریخت که مشرکان در تعقیب او نباشند تا از مکه دور شود. از این رو، باید با استفاده از شیوه غافل‌گیری خانه را ترک می‌کرد؛ در عین حال، چنین وانمود می‌کرد که در خانه است و در بستر خود آرمیده است. برای اجرای این

۱. رک: تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۷۶؛ الدرالمختور، ج ۴، ص ۲۹۵.

۲. رک: مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۵۷؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۰.

۳. بقره، آیه ۲۰۷.

۴. انفال، آیه ۳۰.

نقشه، لازم بود که فردی از جان گذشته این طرح را عملی سازد و حال آن که جز علی علیه السلام هیچ یک از یاران رسول خدا این گونه بی قرار دیدار خدا نبودند.^۱

ثعلبی می‌گوید: «هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت مهاجرت کند، برای ادای قرض خود و تحویل امانت‌هایی که نزد او بود، علی علیه السلام را به جای خویش قرار داد و شب هنگام که به سوی غار می‌رفت و مشرکان اطراف خانه او را محاصره کرده بودند، دستور داد علی علیه السلام در بستر او خوابید و پارچه سبز (بُرْدِ حَضْرَمِی) را که مخصوص رسول خدا بود، روی خویش کشید. در این هنگام، خداوند به جبرئیل و میکائیل وحی نمود که من میان شما برادری ایجاد کردم و عمر یکی از شما را طولانی‌تر قرار دادم. کدام یک از شما حاضر است ایثار کند و زندگی دیگری را بر خود مقدم دارد؟ هیچ‌یک حاضر نشدند.^۲

۶. هدایت‌گر امت

«إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛^۳ ای پیامبر! تو انذار کننده هستی و برای هر قوم، [در هر عصر و زمان] «هدایت‌گری» است.»

واژه «هاد» (هدایت‌گر)، از جهت معنا، بر پیامبر، امام و دانشمندان اطلاق‌پذیر است؛ چون همه آنان هدایت‌گر جامعه هستند؛ با این تفاوت که پیامبر و امام، مصداق اکمل، و در مرتبه بالایی از هدایت‌گری قرار دارند و علما و دانشمندان، در مرتبه پایین‌تری از هدایت‌گری هستند؛ اما با توجه به روایات فراوانی که از شیعه و سنی در ذیل این آیه نقل شده، روشن می‌شود که مقصود از «منذر» (انذارکننده) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و مقصود از «هاد» (هدایت‌گر) امام معصوم علیه السلام است که راه پیامبر را ادامه می‌دهد و حافظ و نگهبان شریعت او است.^۴

«فخر رازی» و «سیوطی»، در ذیل این آیه در تفسیر جمله «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» از ابن عباس و دیگران نقل می‌کنند: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستش را بر سینه خود نهاد و

۱. ر.ک: محمد بن جریر طبری، المسترشد، ص ۳۶۱؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۲۳ - ۱۳۱.

۲. ابن طاووس، الطرائف، ترجمه داود الهامی، ص ۱۲۶.

۳. رعد، آیه ۷.

۴. ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۳۲۷.

فرمود: منم منذر. سپس به شانه علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود: تویی هادی! به وسیله تو، پس از من، هدایت یافتگان هدایت می‌شوند.^۱

در تفسیر «نور الثقلین» ذیل آیه یادشده، حدود پانزده روایت در این باره نقل گردیده است؛ از جمله از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده که فرمودند: «كُلُّ إِمَامٍ هَادِيٌّ كُلُّ قَوْمٍ فِي زَمَانِهِ؛ هر امام معصومی، در زمان خود هدایتگر مردم است.»^۲

۷. شهادت طلبی

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»^۳؛ در میان مؤمنان، مردانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خدا بستند، صادقانه ایستاده‌اند. بعضی پیمان خود را به آخر بردند و در راه او شربت شهادت نوشیدند و بعضی دیگر، در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.»

مقصود از «مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ»، کسانی هستند که در راه اسلام خالصانه جان‌فشانی کردند؛ نمونه‌های برتر این ایثار در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، حمزه سیدالشهداء عموی پیامبر و شهدای بدر و احد بودند.

«مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ»، کسانی هستند که بی‌قرار وصل و شیدایی شهادت‌اند و آماده‌اند که جان خویش را فدای اسلام کنند؛ بهترین نمونه آن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام است.

در روایات، «مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ» به حمزه عموی پیامبر و شهدای جنگ بدر و احد، و جمله «مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ» به علی بن ابی‌طالب علیه السلام تفسیر شده است؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «فِينَا نَزَلَتْ «رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» فَأَنَا وَاللَّهِ الْمُنْتَظِرُ وَمَا بَدَلْتُ تَبْدِيلًا»^۴؛ این آیه درباره ما نازل شده است. به خدا سوگند! من منتظر هستم و هرگز تغییری در این عهد و پیمان نیست.»

۱. ر.ک: ابو عبدالله محمد بن عمر فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۷، ص ۱۴؛ الدرّ المثور، ج ۴، ص ۴۵.

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۸۲-۴۸۵.

۳. احزاب، آیه ۲۳.

۴. ر.ک: مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۴۶؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴؛ تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۹۰؛ تفسیر

نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۵۸-۲۵۹.

۸. فریادگر برائت

بیشتر مفسران و مورخان اتفاق نظر دارند که در سال نهم هجری، هنگامی که آیات نخستین سوره توبه درباره اعلان جنگ با مشرکان پیمان شکن نازل شد، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ابوبکر را برای ابلاغ این فرمان انتخاب نمود تا در هنگام حج در مکه آن را برای عموم مردم بخواند؛ ولی چیزی نگذشت که آیات را از او گرفت و به علی بن ابی طالب رضی الله عنه سپرد و حضرت را مأمور ابلاغ آن کرد تا در مراسم حج آن را ابلاغ کند و او نیز چنین کرد.^۱

در روایات فراوانی آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ این پرسش که چرا پیامبر آیات را از ابوبکر گرفت و امیرمؤمنان را مأمور ابلاغ آن کرد، فرمود: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: این پیام را کسی از سوی تو ادا نمی‌کند، مگر خودت یا مردی از تو.»^۲ با توجه به این که الغای پیمان‌های مشرکان، یکی از حساس‌ترین مراحل تاریخ اسلام بود و آگاهی، تدبیر و شجاعت فوق‌العاده‌ای را می‌طلبید، باید آگاه‌ترین و شجاع‌ترین فرد برای این کار انتخاب می‌شد. به همین جهت، پیامبر از طرف خداوند مأمور شد تا آن را از ابوبکر بگیرد و خودش یا امیرمؤمنان آن را ابلاغ نماید؛ زیرا کسی دیگر، شایسته اعلان آن پیام به مشرکان نبود.^۳

۹. برترین انسان

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَوْلِيَّكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»^۴ در حقیقت، کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آنان‌اند که بهترین آفریدگان هستند. منظور از «شَرَّ الْبَرِيَّةِ» (بدترین مخلوقات) در این سوره، اهل کتاب و مشرکانی است که به بی‌نیه‌هایی (دلیل‌های روشنی) که به موجب سنت خداوند متعال برای آنان آمده بود، کافر شدند. این تعبیر، دلیلی برای جاودان ماندن آن‌ها در آتش دوزخ است.

۱. رک: مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۸۷.

۲. رک: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۰۴-۳۱۹؛ الدرّ المشثور، ج ۳، ص ۲۰۹.

۳. رک: پیام قرآن، ص ۲۹۱-۲۹۲.

۴. بی‌نیه، آیه ۶ و ۷.

مراد از «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (بهترین مخلوقات)، مؤمنان و انسان‌های صالح‌اند؛ ولی بهترین نمونه آن، حضرت علی علیه السلام و پیروان حقیقی او هستند؛ چنان‌که در روایات فراوانی، آیه «أَوْلَئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» به حضرت علی علیه السلام و پیروان او تفسیر شده است؛ از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام قرائت این آیه فرمود: «یا علی! آن‌ها تو و شیعیانت هستید. وعده من و شما، کنار حوض کوثر است.»^۱ همچنین دشمنان حضرت علی علیه السلام و شیعیان ایشان، در برخی روایات «شُرَّ الْبَرِيَّةِ» خوانده شده‌اند.^۲

۱۰. انفاق کننده

«..... * يُوْفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا * وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا * إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا * فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَ سُورًا * وَ جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا؛^۳ ... آن‌ها به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شرّ و عذابش گسترده است، می‌ترسند و غذای [خود] را با این‌که به آن علاقه [و نیاز] دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند! [و می‌گویند:] ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم! ما از پروردگاران ترسیده‌ایم، در آن روزی که عبوس و سخت است! [به جهت این عقیده و عمل] خداوند آنان را از شرّ آن روز نگه می‌دارد و آن‌ها را می‌پذیرد؛ در حالی که غرق شادی و سرورند! و در برابر صبرشان، بهشت و لباس‌های حریر بهشتی را به آنان پاداش می‌دهد.»

اندیشه‌وران شیعه اتفاق نظر دارند که سوره انسان (دهر) و یا هیجده آیه آن،^۴ درباره حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و خادم آن‌ها فضه نازل شده است. علامه امینی این شأن نزول را از ۳۴ تن از عالمان معروف اهل سنت نقل کرده است. از این رو، این شأن نزول در میان اهل سنت، مشهور، بلکه متواتر است.^۵

۱. ر.ک: مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۵؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۵۹؛ الدرّ المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹.

۲. شیخ صدوق، امالی، ص ۶۷۱.

۳. انسان، آیه ۷-۱۲.

۴. از آیه ۵ «إِنَّ الْأَبْرَارَ...» تا آیه ۲۲ «... وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا».

۵. ر.ک: علامه امینی، الغدير، ج ۳، ص ۱۰۷-۱۱۱.

ابن عباس می‌گوید: «حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله با جمعی از یاران به عیادت‌شان آمدند و به علی علیه السلام فرمودند: ای ابوالحسن! خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می‌کردی. علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و فضه که خادم آن‌ها بود، نذر کردند که اگر آن‌ها شفا یابند، سه روز روزه بگیرند. بنابر برخی روایات، حسن و حسین علیهما السلام نیز گفتند: ما هم نذر می‌کنیم روزه بگیریم. چیزی نگذشت که هر دو شفا یافتند؛ در حالی که از نظر مواد غذایی دست‌شان خالی بود. علی علیه السلام سه من جو قرض نمود و فاطمه علیها السلام یک سوم آن را آرد کرد و نان پخت. وقتی می‌خواستند آن را تناول کنند، مسکینی آمد. سپس حضرت یک سوم دیگر را پخت. باز هم پیش از تناول، یتیمی از آن‌ها کمک خواست. با یک سوم باقی‌مانده نان پختند که اسیری آمد و پس از تقاضای کمک، نان را به او دادند.^۱ بنابر برخی روایات، تمام جریان کمک به مسکین، یتیم و اسیر در یک روز اتفاق افتاد.

هنگامی که صبح شد، علی علیه السلام دست حسن و حسین علیهما السلام را گرفته، خدمت پیامبر آمدند. وقتی پیامبر آن‌ها را مشاهده کرد، دید از شدت گرسنگی می‌لرزند. فرمود: این حالی را که در شما می‌بینم، برای من بسیار سخت است. سپس برخاست و با آن‌ها حرکت کرد. هنگامی که وارد خانه فاطمه علیها السلام شد، فاطمه را دید که در محراب عبادت ایستاده؛ در حالی که از شدت گرسنگی دل او به پشت چسبیده و چشم‌هایش به گودی نشسته. پیامبر صلی الله علیه و آله ناراحت شد. در همین هنگام، جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! این سوره را بگیر. خداوند با چنین خاندانی به تو تهنیت می‌گوید. سپس سوره «هل أتی» را بر او خواند.^۲

انفاق امام علی علیه السلام فقط به این مورد اختصاص ندارد؛ بلکه در موارد متعدد دیگر نیز حضرت انفاق نمود؛ از جمله: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۳ آن‌ها که اموال خود را به هنگام

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۹.

۲. رک: امینی، عبدالحسین، الغدير، ص ۱۱۱؛ تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۴۳-۳۴۴؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۹۳-۴۱۰.

۳. بقره، آیه ۲۷۴.

شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است و نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمگین می‌شوند.»

در احادیث بسیاری بیان شده است که حضرت علی علیه السلام چهار درهم داشت؛ یکی را در شب و دیگری را در روز، سومی را به طور مخفی و چهارمی را آشکارا صدقه داد، و این آیه در شأن آن حضرت نازل شد: ^۱ مضمون این حدیث، در کتاب‌های تفسیر اهل سنت نیز نقل شده است؛ چنان‌که سیوطی در «الدر المنثور» از ابی‌عساکر، طبرانی، ابن حاتم و جمعی دیگر، این حدیث را نقل کرده است. ^۲

۱۱. صالح المؤمنین

«وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ؟» اگر شما بر ضد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست به دست هم دهید، کاری از پیش نخواهید برد؛ چرا که خداوند مولا و یاور او است و همچنین جبرئیل و صالح مؤمنان و فرشتگان نیز پشتیبان او هستند.»

«صالح المؤمنین» به صورت مضاف و مضاف‌الیه آمده که معنای آن چنین است: «فردی صالح از میان مؤمنان»، و مصداق آن، یک نفر است. اگر حالت عمومی داشت، با عبارت: «والمؤمنون الصالحون» می‌آمد. این نکته در روایات نیز مورد تأکید قرار گرفته و در احادیث فراوانی از شیعه و اهل سنت، «صالح المؤمنین» به علی علیه السلام تفسیر شده و نشان می‌دهد که تنها مصداق آیه و یا برترین و کامل‌ترین مصداق آیه، علی علیه السلام است و با توجه به این‌که در کنار جبرئیل قرار گرفته (و جبرئیل و صالح المؤمنین)، اهمیت این فضیلت به‌خوبی آشکار می‌شود؛ چرا که پس از خداوند و جبرئیل امین، برترین یار و یاور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در تمام طول عمر، علی علیه السلام بود. «حاکم حسکانی حنفی» در ذیل این آیه، بیش از پانزده روایت از طرق مختلف نقل می‌کند که منظور از «صالح المؤمنین» علی بن ابی‌طالب علیه السلام است.

۱. نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۹۰.

۲. الدر المنثور، ج ۱، ص ۳۶۳.

۳. تحریم، آیه ۴.

از «عمار یاسر» نقل شده که از علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرا فراخوانده و فرمود: آیا تو را بشارت دهم؟ عرض کردم: آری، ای رسول خدا! تو همیشه بشارت‌دهنده به خیر بودی. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند درباره تو آیه‌ای نازل کرده است. عرض کردم کدام آیه؟ فرمود: تو قرین و هم‌ردیف جبرئیل شده‌ای (خداوند تو را قرین او ساخته). سپس این آیه را تلاوت کرد.^۱

۱۲. دانای «علم کتاب»

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ الْكِتَابِ؛^۲ کسانی که کافر شدند، می‌گویند تو فرستاده نیستی. بگو: کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است، میان من و شما گواه باشد.»

«أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ...^۳ آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد و به دنبال او، شاهدی از سوی او می‌باشد...»

بی‌شک، کسی که شهادت او در کنار شهادت خدا قرار می‌گیرد، مقامی بس ارجمند دارد و قرآن با صراحت بیان می‌کند که این شأن و منزلت به دلیل برخوردار بودن از «علم الکتاب» است. در آیه ۱۷ سوره هود نیز به این شاهد اشاره شده است و او را پیرو محض رسول خدا صلی الله علیه و آله شمرده است: کلمه «منه» بدان معنا است که شاهد از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام است؛ روایات فراوانی از شیعه و سنی نقل شده که «شاهد»، علی بن ابی‌طالب علیه السلام است؛ ابن مغازلی شافعی از عبدالله بن عطاء روایت کرده: روزی در حضور امام باقر علیه السلام بودم که فرزند عبدالله بن سلام (یکی از علمای اهل کتاب که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله اسلام آورد) عبور کرد. از آن حضرت پرسیدم: آیا منظور از «من عنده علم الکتاب» پدر این شخص است؟ فرمود: نه، بلکه منظور علی بن ابی‌طالب علیه السلام است که آیه «يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ» و آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...»^۴ نیز در شأن او نازل شده است. همچنین چندین روایت از شیعه و اهل سنت

۱. رک: شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۴۱-۳۵۲؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۳۲.

۲. رعد، آیه ۴۳.

۳. هود، آیه ۱۷.

۴. مائده، آیه ۵۵.

نقل شده که منظور از «شاهد» در سوره هود، علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد؛^۱ همین معنا از ثعلبی به دو طریق روایت شده است.^۲ با توجه به ویژگی یادشده از واژه «منه»، روشن می شود که مصداق آن، جز حضرت علی علیه السلام کسی نبوده است.

مفهوم علم الکتاب

اهمیت «علم الکتاب»، از داستان حضرت سلیمان علیه السلام و احضار تخت بلقیس که در سوره نمل آمده، روشن می شود. قرآن کریم می فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ»^۳ کسی که بهره ای از «علم الکتاب» داشت، گفت: من تخت بلقیس را حاضر می کنم، پیش از آن که چشم برهم زنی...». اگر آگاهی به برخی از «علم کتاب»، چنین اثر شگفت انگیزی دارد و می توان با چنین علمی تختی عظیم را از فرسنگ ها^۴ و در فاصله زمانی کمتر از یک چشم بر هم زدن جابه جا کرد، می توان حدس زد، کسی که از تمامی این علم بهره مند است، از قدرتی فراتر از درک و توصیف برخوردار است.^۵ چگونه می توان باور کرد که «مَنْ عِنْدَهُ...»، عبدالله بن سلام، یهودی مسلمان شده باشد.^۶

۱۳. اطاعت از حکم نجوا

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»^۷ اگر بخواید با رسول نجوا کنید، پیش از آن باید صدقه بدهید.

مفسران در شأن نزول آیه می نویسند: «جمعی از ثروتمندان، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله را می آمدند و با آن حضرت نجوا می کردند [این عمل علاوه بر این که وقت پیامبر را

۱. رک: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵۹-۳۶۹.

۲. رک: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۹۴-۹۵.

۳. نمل، آیه ۴۰.

۴. از سرزمین سبأ (در یمن) که مقر حکومت بلقیس است تا سرزمین فلسطین پایتخت حکومت حضرت سلیمان علیه السلام.

۵. مصباح یزدی، آموزش عقاید، ج ۱-۲، ص ۳۶۸-۳۷۴؛ تفسیر المیزان، ذیل آیه و بحث روایی ذیل همان آیه.

۶. برخی از مفسران اهل سنت، معتقدند که «عنده علم الکتاب»، عبدالله بن سلام است.

۷. مجادله، آیه ۱۲.

می‌گرفت، مایه نگرانی مستضعفان و موجب امتیازی برای ثروتمندان بود]. خداوند به آن‌ها دستور داد که پیش از نجوا با پیامبر اکرم، صدقه‌ای به نیازمندان بپردازند. جز یک نفر، همه مسلمانان از دادن صدقه و نجوا خودداری کردند^۱ و او، کسی جز امیر مؤمنان نبود.

برخی مفسران معتقدند: هدف گروهی از نجوا با پیامبر این بود که از این راه بر دیگران برتری جویند و پیامبر گرامی نیز از روی بزرگواری خاص خود در عین حال که ناراحت بود، از نجوای آنان جلوگیری نمی‌کرد؛ خداوند آنان را از این کار نهی نمود.^۲ پس از مدتی کوتاه، با نازل شدن آیه ۱۳، حکم این آیه نسخ شد.^۳ در این آیه می‌فرماید: «أَلْأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»^۴ آیا ترسیدید فقیر شوید که از دادن صدقات قبل از گفتگوی سرّی خودداری کردید؟ اکنون که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت، نماز را به پا دارید و زکات بدهید و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و [بدانید که] خداوند از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است.

در روایات متعددی آمده است که علی بن ابی‌طالب علیه السلام تنها کسی بود که به حکم آیه «نجوا» عمل کرد؛ چنان‌که خود آن حضرت می‌فرماید: «در قرآن، آیه‌ای است که هیچ کس قبل از من و نه بعد از من، به آن عمل نکرده و نخواهد کرد و آن، آیه نجوا است. من دیناری داشتم، آن را به ده درهم فروختم. هر زمانی می‌خواستم با پیامبر صلی الله علیه و آله نجوا کنم، درمی‌را صدقه می‌دادم. سپس این آیه نسخ شد.»^۵

۱۴. قهرمان در جنگ

یکی از فضایل مهم علی علیه السلام، جهاد حضوری در جنگ‌های متعدد می‌باشد. این حضور، به گونه‌ای سرنوشت‌ساز بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ضربت روز خندق با هفتاد

۱. ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۱۷.

۲. ر.ک: محمود آلوسی بغدادی، روح المعانی، ج ۲۸، ص ۳۰.

۳. تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۱۸۹ و ۱۹۱.

۴. مجادله، آیه ۱۳.

۵. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۱۲، ح ۹۵۱؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۸۵؛ پیام قرآن، ج ۹، ص ۳۳۶.

سال عبادت بندگان خدا برابری می‌کند. یکی از این موارد، حضور ایشان در جنگ موسوم به ذات السلاسل است. در قرآن می‌خوانیم: «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا * فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا * فَأَثَرُنَّ بِهِ نَقْعًا * فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا»^۱ سوگند به اسبان دونده [مجاهدان]؛ در حالی که نفس‌زنان به پیش می‌رفتند، و سوگند به افروزندگان جرقه آتش [در برخورد سم‌هایشان با سنگ‌های بیابان]، و سوگند به هجوم آوران سپیده دم که گرد و غبار به هر سو پراکنند، و [ناگهان] در میان دشمن ظاهر شدند...».

در حدیثی آمده است که این سوره در سال هشتم هجری پس از جنگ «ذات السلاسل» نازل شده است.

در سال هشتم هجری به پیامبر اسلام ﷺ خبر دادند که دوازده هزار سوار در سرزمین «یابس» جمع شده، و با یک دیگر عهد کرده‌اند که تا پیامبر ﷺ و علی ﷺ را به قتل نرسانند و مسلمانان را متلاشی نکنند، از پای ننشینند! پیامبر گرامی اسلام ﷺ جمع فراوانی از یاران خود را به فرماندهی برخی صحابه به سوی آنان فرستاد؛ ولی آنان پس از گفتگو بی‌نتیجه بازگشتند. در نهایت، پیامبر اکرم ﷺ و علی ﷺ را با گروه بسیاری از مهاجر و انصار به نبرد آنان اعزام داشت. آن‌ها به سرعت به سوی منطقه دشمن حرکت کردند و شبانه راه می‌رفتند تا این‌که صبحگاهان دشمن را در حلقه محاصره گرفتند. ابتدا اسلام را بر آنان عرضه کردند و چون نپذیرفتند، زمانی که هوا به‌خوبی روشن نشده بود، به آن‌ها حمله کردند و آنان را در هم شکستند. هنوز سربازان اسلام به مدینه بازنگشته بودند که سوره «عادیات» نازل شد و بشارت پیروزی لشکر اسلام را به پیامبر داد.

پیامبر اکرم ﷺ آن روز برای نماز صبح آمد و این سوره را در نماز تلاوت نمود. پس از پایان نماز، اصحاب عرض کردند: این سوره‌ای است که ما تا به حال نشنیده بودیم! پیامبر ﷺ فرمود: آری، علی ﷺ بر دشمنان پیروز شد و جبرئیل دیشب با آوردن این سوره به من بشارت پیروزی آن‌ها را داد. چند روز بعد علی ﷺ با غنایم جنگی و اسیران به مدینه وارد شد.^۲

۱. العادیات، آیه ۵-۱.

۲. ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۶۶.

۱۵. وجوب محبت

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ؛^۱ بگو: من هیچ پاداشی از شما برای اجر رسالتم درخواست نمی‌کنم؛ جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم).»
«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛^۲ مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دل‌ها قرار می‌دهد.»

بر اساس روایت شیعه و برخی روایات اهل سنت، مقصود از «المودة فی القربی» (دوستی خویشاوندان) در آیه شریفه، دوستی حضرت علی و فاطمه و فرزندان ایشان است که اجر و پاداش رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داده شده است. زمخشری در ذیل آیه شریفه روایتی نقل می‌کند که وقتی این آیه نازل شد، از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: خویشان تو چه کسانی‌اند که مودت و دوستی آن‌ها بر ما واجب شده است؟ فرمود: «علی و فاطمه و فرزندان آن دو».^۳ در این باره روایات فراوانی نقل شده است.^۴

بنابراین، قرآن مجید در این آیه، مسلمانان را به دوست داشتن و محبت اهل بیت علیهم السلام سفارش نموده، آن را اجر و پاداش رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داده است، بی‌تردید، این مودت و دوستی راهی به سوی خدا است: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ؛^۵ بگو، هر پاداشی از شما خواسته‌ام برای خود شما است؛ اجر من، تنها بر عهده خدا است و او بر همه چیز شاهد است.»^۶ این دوستی، در حقیقت، راهی به سوی امامت و تداوم رسالت است.

۱. شورا، آیه ۲۳.

۲. مریم، آیه ۹۲.

۳. ر.ک: زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۲۱۹، ذیل آیه ۲۳ سوره شوری.

۴. ر.ک: شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۸۹-۲۱۰؛ تفسیر نورالتقلین، ج ۴، ص ۵۷۱-۵۷۵.

۵. سباء، آیه ۴۷.

۶. ر.ک: پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۲۵-۲۳۷.

در شأن نزول آیه ۹۲ سوره مریم «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «ای ابوالحسن! بگو خداوندا برای من نزد خودت عهد و پیمانی قرار ده، و محبت مرا در دل‌های مؤمنان بیفکن.»

در این هنگام، این آیه نازل شد. سپس آن حضرت فرمود: «به همین جهت، فرد با ایمانی را ملاقات نمی‌کنیم، مگر این‌که در قلب او محبت علی بن ابی طالب رضی الله عنه است.» روایات متعدد دیگری نیز نقل شده که این آیه درباره علی بن ابی طالب رضی الله عنه است که محبت او را در دل هر فرد با ایمانی جای داده است.^۱

۱۶. وسیله تقرب به خدا

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ؛^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پرهیزکاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید...»^۳
در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: امامان رضی الله عنهم، کسانی هستند که پیروی از آنان، پیروی از خدا و سرپیچی از فرمان آنان، سرپیچی از فرمان خدا است... و آنان وسیله به سوی خدا هستند (که با آنان به خداوند تقرب می‌جوئیم).^۴
علی رضی الله عنه خود می‌فرماید: «أنا وسيلته»؛ یعنی من وسیله نزدیکی و تقرب به خدا هستم.^۵

در احادیث و روایات اسلامی، شیوه و چگونگی توسل به پیامبر، اهل بیت و حضرت علی رضی الله عنه بیان شده است، مانند: ۱. خواندن نماز امیر مؤمنان رضی الله عنه؛ ۲. دعای توسل؛ ۳. زیارت حضرت امیر رضی الله عنه؛ ۴. توسل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی رضی الله عنه.^۶
در پایان، یادآوری این مطلب بایسته است که آیات دیگری، مانند: «احزاب، ۲۳؛ حجرات، ۱۵؛ تحریم، ۴؛ بینه، ۷» نیز به حضرت علی رضی الله عنه تفسیر شده است که جهت

۱. ر.ک: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۶۴-۴۷۷.

۲. مائده، آیه ۳۵.

۳. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۲۶.

۴. تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۳۶۲؛ محمد بن محمد رضا مشهدی قمی، کنز الدقائق، ج ۴، ص ۱۰۴.

۵. ر.ک: شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۶۴، ۱۷۹، ۵۵۳.

اختصار از بیان آن‌ها صرف نظر می‌کنیم. افزون بر آن، بر اساس روایات متعددی^۱ برترین مصداق و بارزترین آن‌ها در خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...» در سراسر قرآن که حدود ۹۰ مورد است، حضرت علی علیه السلام می‌باشد.

برای مثال، عکرمه از ابن عباس روایت می‌کند که گفت: آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...» در قرآن نازل نشده، مگر آن‌که علی علیه السلام رأس و امیر آنان بود و خدا اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را در بیش از یک آیه مورد عتاب و سرزنش قرار داده؛ در حالی که علی علیه السلام را جز به خیر یاد نکرده است.^۲

شایان ذکر است که تطبیق آیات یادشده بر امیر مؤمنان علیه السلام به معنای حصر معانی کلی آن‌ها در آن حضرت نیست؛ بلکه بدین معنا است که بارزترین و بالاترین مصداق آیه، ایشان است و نیز در برخی آیات، وجود مبارک ایشان سبب نزول است؛ ولی آیه در سبب و شأن نزول محدود و منحصر نمی‌شود؛ جز در موارد خاص، مانند: آیه ۱۹ توبه، آیه ۵۵ مائده و آیه ۶۱ آل عمران که در کتاب‌های تفسیر توضیح داده شده است.^۳ همچنین ناگفته نماند که فضایل امام علی علیه السلام در قرآن اختصاص به مواردی که اشاره گردید، ندارد؛ بلکه ابعاد دیگر از فضایل آن حضرت نیز در قرآن آمده است که جهت رعایت اختصار، از بیان آن‌ها صرف نظر می‌شود.

منابع:

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. آلوسی بغدادی، محمود، روح المعانی، چاپ چهارم، احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء الکتب العربیة، بیروت، ۱۳۷۸ق/۱۹۵۹م.
۵. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، مکتبه نزاز مصطفی الباز، عربستان سعودی، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م

۱. ر.ک: شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، تحقیق و تصحیح، شیخ محمدباقر محمودی، ج ۱، حدیث ۶۷ الی ۸۵

۲. الدرّ المنثور، ج ۱، ص ۱۰۴؛ المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۳۱۱.

۳. ر.ک: تفسیر المیزان و مجمع البیان، ذیل آیات یادشده.

٦. ابن البطريق، شمس الدين يحيى بن الحسن الأسدي الربعي الحلبي، خصائص الوحي المبين، دارالقرآنالكريم، ١٤١٧ق.
٧. ابن جوزي، ابوالفرج عبدالرحمن بن علي، زاد المسير في علم التفسير، تحقيق: عبدالرزاق المهدي، دار الكتاب العربي، بيروت، ١٤٢٢ق.
٨. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، دارصادر، بيروت
٩. ابن سعد، محمد، طبقات الكبرى، دارصادر، بيروت، [بى تا]
١٠. ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن علي، مناقب آل ابى طالب، المكتبة الحيدريه، النجف الأشرف، ١٣٧٦ق/ ١٩٥٦م.
١١. ابن طاووس، سعدالسعود، نجف
١٢. ابن عطيه اندلسي، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٢٢ق.
١٣. ابن كثير دمشقي، اسماعيل بن عمرو، تفسير القرآن العظيم، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١٩ق.
١٤. ابن كثير، البدايه والنهائيه، تحقيق وتدقيق و تعليق: علي شيري، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٨ق/ ١٩٨٨ م.
١٥. اندلسي، ابوحيان محمد بن يوسف، البحر المحيط في التفسير، دارالفكر، بيروت، ١٤٢٠ق
١٦. بحراني، سيدهاشم، البرهان في تفسير القرآن، بنياد بعثت، تهران، ١٤١٦ق.
١٧. بياضوى عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل و أسرار التأويل، تحقيق: محمد عبد الرحمن المرعشلي، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤١٨ ق.
١٨. تحف العقول، ص ٢٩٤.
١٩. تحفة الاحوزي، ج ١٠، ص ١٩٦؛
٢٠. التسهيل، ج ٢، ص ١٣١؛
٢١. التشيع و الوسيطة
٢٢. ثعلبي نيشابوري ابو اسحاق احمد بن ابراهيم، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٢٢ ق
٢٣. الحاكم النيشابوري، محمد بن محمد، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: دكتور يوسف مرعشى، دالمعرفه بيروت، ١٤٠٦ هـ.
٢٤. حرعاملى، محمد بن حسن، الجواهر السنيه، نجف، ١٣٨٤ق/ ١٩٦٤م.
٢٥. حرعاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، چاپ دوم، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث قم، ١٤١٤ هـ.

۲۶. حرعاملی، محمد، اثبات الهدی،
۲۷. حرعاملی، محمد، الايقاظ الهجعة،
۲۸. حسکاني، عبیدالله بن احمد، شواهدالتنزیل لقواعد التفضیل، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۱ق.
۲۹. حسینی استرآبادی سید شرف الدین علی، تأویل الآيات الظاهرة، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۹ق.
۳۰. حسینی بهارانچی، سید محمد، آیات الفضائل یا فضائل علی علیه السلام در قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۱. حسینی مرعشی تستری، قاضی سید نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، تعلیق: سید شهاب الدین، حسینی مرعشی نجفی، منشورات مکتبه آیت الله مرعشی نجفی قم، (بی تا).
۳۲. حلبی، السیره الحلبیه، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۰ق
۳۳. خرازی، محسن، بدایه المعارف فی شرح عقاید الامامیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم
۳۴. خطیب بغدادی، ابی بکر احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م.
۳۵. خوئی، سیدابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، دارالزهراء، چاپ: چهارم، بیروت، ۱۳۹۵ق.
۳۶. خوارزمی، الموفق، المناقب، تحقیق: الشیخ مالک المحمودی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۴ق.
۳۷. دلائل النبوه حافظ ابونعیم اصفهانی در کتاب، ص ۲۹۷،
۳۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دارالعلم، دارالشامیه، دمشق و بیروت، ۱۴۱۲ هـ.
۳۹. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق التنزیل، چاپ سوم، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق
۴۰. سبحانی، جعفر، اضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، مؤسسه امام صادق، قم، ۱۴۲۱ق.
۴۱. سمرقندی نصر بن محمد بن احمد، بحرالعلوم.
۴۲. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، مؤسسه انتشارات مشهور، قم، ۱۳۷۹ هـ.ش.
۴۳. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۴۴. شرح اصول کافی، ملا صالح مازندرانی، ج ۷، ص ۸۸-۸۹.

٤٥. صدوق، ابى جعفر محمد بن على بن الحسين بابويه قمى، الامالى، چاپ اول، مؤسسۀ بعثۀ قم، ١٤١٧هـ
٤٦. صدوق، ابى جعفر محمد بن على بن الحسين، الاعتقادات للصدوق، ص ١٢١؛
٤٧. صدوق، ابى جعفر محمد بن على بن الحسين، الامامة و التبصرة، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، ١٤٠٤ق / ١٣٦٣.
٤٨. صدوق، ابى جعفر محمد بن على بن الحسين، الخصال، دفتر انتشارات اسلامى، قم، ١٤٠٣ق.
٤٩. صدوق، ابى جعفر محمد بن على بن الحسين، علل الشرايع،
٥٠. صدوق، ابى جعفر محمد بن على بن الحسين، عيون اخبار الرضا، ؛
٥١. صدوق، ابى جعفر محمد بن على بن الحسين، كمال الدين،
٥٢. صدوق، ابى جعفر محمد بن على بن الحسين، من لا يحضره الفقيه، تعليق و تصحيح: على اكبر غفارى، چاپ دوم، منشورات جماعة المدرسين قم، ١٤٠٤ هـ ق.
٥٣. صفار، أبوجعفر محمد بن الحسن بن فروخ، بصائر الدرجات، منشورات الأعلمى، تهران، ١٤٠٤ق/١٣٦٢
٥٤. صفايى، على، غدیر، ليله القدر، قم!
٥٥. طباطبايى، سيدمحمدحسين، الميزان فى تفسير القرآن، چاپ: پنجم، دفتر انتشارات اسلامى، قم، ١٤١٧ق
٥٦. طبرسى، فضل بن حسن، اعلام الورى، دارالكتب الاسلاميه، تهران
٥٧. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ١٣٧٢.
٥٨. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ طبرى، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٣ق/٩٨٣م.
٥٩. طبرى، محمد بن جرير، جامع البيان فى تفسير القرآن، دارالمعرفه، بيروت، ١٤١٢ق.
٦٠. طوسى (شيخ طوسى)، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، داراحياء التراث العربى، بيروت
٦١. طوسى، محمد بن الحسن، الامالى، تحقيق: قم الدراسات الاسلاميه - مؤسسۀ البعثه، چاپ اول، نشر دارالثقافه، قم، ١٤١٤ هـ .
٦٢. طوسى، ابوجعفر محمد بن حسن، الاستبصار فى ما اختلف من الأخبار، دارالكتب الإسلاميه، تهران، ١٣٩٠ق.
٦٣. عروسى الحويزى، عبدالعلى بن جمعه، تفسير نورالثقلين، چاپ چهارم، مؤسسۀ اسماعيليان، قم، ١٤١٥ق

۶۴. عروسی حویزی، ابن جمعه، تفسیر نورالثقلین، چاپ: چهارم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۳هـ/۱۴۱۵ق
۶۵. عسکری، سید مرتضی، احادیث ام المؤمنین عایشه، چاپ پنجم، التوحید للنشر، ۱۴۱۴ هـ (بی جا).
۶۶. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر (معروف به تفسیر عیاشی)، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، مکتبه العلمیه الإسلامیه، تهران
۶۷. فخرالدین رازی ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۹، ص ۱۶۷.
۶۸. فیض کاشانی، محسن، الاصول الاصلیه، سازمان چاپ دانشگاه، ۱۳۹۰ق.
۶۹. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، انتشارات صدر، چاپ: دوم، تهران، ۱۴۱۵ق
۷۰. قرطبی محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ش
۷۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، دارالکتاب، چاپ: چهارم، قم، ۱۳۶۷
۷۲. قندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده، تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، چاپ اول، دارالاسوه للطباعة و النشر، ۱۴۱۶ هـ (بی جا).
۷۳. کراچکی، محمد أبو الفتح، کنز الفوائد، مکتبه المصطفوی، قم، ۱۳۶۹.
۷۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تعلیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه تهران، ۱۳۶۵
۷۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تعلیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه تهران، ۱۳۶۵.
۷۶. مجلسی (علامه مجلسی)، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۶۸۳م.
۷۷. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم با شرح نووی، دارالکتاب العربی، بیروت
۷۸. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزشی عقائد، چاپ هفتم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، (بی جا)، ۱۳۷۰ هـ ش.
۷۹. مفید (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.
۸۰. مفید (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن نعمان، اوائل المقالات، دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.
۸۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه قم.

۸۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام قرآن، چاپ: پنجم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، قم، ۱۳۷۴.
۸۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیرنمونه، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴
۸۴. واحدی، علی بن احمد، أسباب نزول القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ق.
- هندي، متقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م.